جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۳ - ۲۲ رمضان ۱۴۴۵
سال بیست‌وششم- شماره ۶۹۹۴ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

مردم به میدان اقتصاد بیایند

رهبر انقلاب در تبیین شعار سال: «جهش تولید با مشارکت مردم» شعار یک ساله نیست بلکه مسئولان باید با برنامه‌ریزی و کمک گرفتن از مردم، گام اول را در سال جاری بردارند. باید مانند دفاع مقدس، مردم در صحنه اقتصاد حضور واقعی و مثمرثمر داشته باشند | صفحه ۲

رهبر معظم انقلاب، امسال را نیز با شعار اقتصادی، هدایت کردند. مطابق با این هدایت، اقتصاد باید کاملاً مردمی شود Khamenei.ir

۳ واقعیت کتمان‌ناپذیر جمهوری اسلامی در آغاز سال نو

■ غلامرضا صادقیان | سردبیر

سه واقعیت غیرقابل کتمان نظام جمهوری اسلامی ایران در آغاز سال‌نو بیش از هر زمان دیگری قابلیت تبیین دارد، به‌ویژه که هر سه به‌نحوی در سخنان نوروزی رهبر انقلاب نیز جلوه یافت. دو واقعیت مربوط به اثبات حق‌گویی این نظام در سیاست خارجی و سیاست داخلی است و واقعیت سوم، که نقطه ضعف نظام است، «اقتصاد ناکارآمد» است.

■ اثبات دعوی تاریخی در سیاست خارجی

در سیاست خارجی، ادعای تاریخی انقلاب اسلامی علیه تمدن غرب و شعار اصلی آن، حقوق بشر، که آن را پوشالی و ناصادق می‌دانست، در شیوه مواجهه غرب با قضیه غزه، به رساترین شکل ممکن اثبات شد. انقلاب اسلامی یک دعوی روشن علیه غرب داشت. این دعوی هرچند بعضاً با ادبیات غیرفنی و پامنبری و با شعارزدگی کلیشه‌ای، جذابیت خود را از دست می‌داد، اما یک حقیقت بزرگ در دل خود داشت. غرب در دویست سال گذشته مدعی حقوق راستین بشر بود. در یکصدسال گذشته نیز غربگرایان در ایران همین ادعای غرب را با ادبیات فنی و دانشگاهی و جذاب ترویج می‌کردند. غربگرایان یکصدسال بی‌وقفه، حقوق بشر غربی را در ایران تئوریزه می‌کردند و آن را همچون پتکی بر سر دعوی غرب‌ستیزی انقلاب اسلامی می‌زدند. قضیه غزه اما اثباتی بر پوشالی‌بودن دعوی حقوق بشری غرب بود که با هیچ ابزار دیگری به این عینیت قابل اثبات نبود. شخصاً از بسیاری از استادان مطرح علوم انسانی دانشگاه که سال‌ها مروج و مدعی فرهنگ غربی بودند، گزاره‌های اینچنینی شنیدم: «غرب باخت، بدجور هم باخت»، «غرب اخلاق و انسانیت را باخت»، «ضربه‌ای که غرب در ماجرای غزه به تمدن خود زد، غیرقابل ترمیم است». برخی استادان علیه هابرماس و طرفداری او از صهیونیست‌ها موضع گرفتند و برخی حقیقتاً فعالیت‌سیاسی خود را محدود کردند که نشانه‌ای از تعمق در گذشته است. کسانی که لیبرالیسم و لیبرال‌دموکراسی را قادر به حل مشکلات بشر و ترمیم عیوب خود و ساختن یک بنای مستحکم سیاسی و معرفتی برای بشر می‌دانستند، یکباره دست لیبرالیسم را تا مرفق در خون بشر دیدند و هیچ تبیین مزین به ایسم‌های سابق نیز برای آن نداشتند. برخی رسماً گفتند که دعوی انقلاب و جمهوری اسلامی علیه غرب مثل یک معادله ریاضی اثبات شد و جمهوری اسلامی را در سیاست خارجی یک‌شبه هزار سال جلو برد. این دعوی بزرگ هرچند وقتی به‌دست تریبون‌داران شعارزده و کم‌سواد می‌افتاد، از جذابیتش کاسته می‌شد، اما پس از قضیه غزه، صدق آن و حقیقت پنهانش، آن را به صدر توجه و تعمق برد. شکست رسانه‌های لندنی که مشخصاً علیه دعاوی انقلاب اسلامی شکل گرفته‌اند و تعطیلی و کساد کار برخی از آنان، گواهی بر همین صدرنشینی مدعای انقلاب بود. قضیه‌ای که اثبات می‌شود، دیگر قابل بحث نیست. و آنگاه که رسانه، تعطیل می‌شود، یعنی ادعا تعطیل شده است. حتی در میان رسانه‌های لندنی، بی‌بی‌سی فارسی که بعد از ظهور اینترنشنال و لمپنیسم رسانه‌ای آن، فریب جذابیت این لمپنیسم چرک را خورد و برای عقب‌نماندن از آن، تبدیل به شبکه دوم اینترنشنال شد، حالا با پذیرش شکست، با شیب ملایم در حال بازنمایی پرستیژ یک رسانه غیرلمپن است. این یک پیروزی بزرگ در مجموعه دعاوی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار بود. هرچند دستگاه‌های عریض‌وطویل تبلیغاتی نظام جمهوری اسلامی هیچ استعدادی در ابلاغ این حقیقت ندارند. اگر این حقیقت به‌نفع غربگرایان اثبات شده بود، تا یکصد سال دیگر اجازه نفس کشیدن به مخالفان خود را نمی‌دادند اما اکنون کسی از آنان نمی‌خواهد که تا یکصدسال آینده سکوت پیشه کنند و فقط جوابگوی ادعای باطل یکصدسال گذشته خود باشند.

■ تقویت سیاست داخلی

در سیاست داخلی اما سال گذشته خروج و افشاگری بخشی از جریان اصلاح‌طلبی علیه رهبری و حلقه بسته این جریان که چالشی برای انقلاب و جمهوری اسلامی در سیاست داخلی به‌حساب می‌آمدند، یک پیروزی بزرگ برای دعاوی انقلاب بود که آن‌هم چندان دیده و پرداخته نشد. پس از انقلاب، گشایش جریان اصلاح‌طلبی که از قضا خود را نزدیک به تفکر واقعی امام و مدعی شعارهای اصلی می‌دانستند، می‌توانست در فضای سیاسی منشأ اثر باشد. حتی در آغاز این جریان، رهبر انقلاب نیز با این ایده که اگر جریان‌چپ در ایران نبود، ایشان خود آن را ایجاد می‌کردند، به نوعی از تعادل جریان‌های سیاسی در ایران استقبال کردند. اما اصلاح‌طلبی در ایران، ادامه چپ نبود و البته هنوز هم گفتمان روشن و صورت‌بندی‌شده‌ای ندارد. بلکه بیشتر شبیه یک اپوزیسیون، «سوار بر دوش نظام و علیه نظام» بود! همان آغاز که آقای خاتمی به حلقه اصلی این جریان گفت من نمی‌توانم مطابق انتظار شما هم رئیس‌جمهور نظام و هم اپوزیسیون نظام باشم، دست‌سازبودن و التقاطی‌بودن این جریان که سعی می‌کرد تصویری از خود نشسته بر شانه‌های جمهور بسازد، مشخص شد. بزرگ‌ترین دعوی و شعار جریان اصلاح‌طلبی، همانند شعارهای جهانی لیبرالیسم، آزادی، حقوق‌بشر و مردم‌سالاری بود. همه این‌ها قرار بود در چارچوب قانون اساسی و حاکمیت نظام جمهوری‌اسلامی تحقق پیدا کند اما کار این جریان به جایی رسید که بهزاد نبوی که پس از تشکیل جبهه اصلاحات در سال ۱۳۹۹ ریاست آن را در دو سال اول بر عهده داشت، سال پیش در گفت‌وگویی خبر داد «برخی اصلاح‌طلبان در جریان آشوب پاییزی ۱۴۰۱ نتیجه گرفتند که کار نظام تمام است و می‌خواستند سرشان بی‌کلاه نماند» و این برای یک تشکیلات رسمی که سعی می‌کرد خود را درون حاکمیت نشان دهد و دست‌کم از سال ۷۶ سه دهه حضور در قدرت را چشیده بود، یک رسوایی به حساب می‌آمد. همزمان، محمد قوچانی معاون کمیته سیاسی حزب کارگزاران نیز در نوشته‌ای حلقه اطراف خاتمی را به رفتار «بلشویکی و شبیه مجاهدین خلق» متهم کرد که مانند یک دشمن بر موج آشوب پاییزی سوار شدند و یک زن را با مهندسی نرم و اشارت و وصایت خاتمی، رئیس جبهه اصلاحات کردند که به اذعان قوچانی این رفتار نقض ادعای تاریخی اصلاح‌طلبان بود که می‌خواستند پرچمدار دموکراسی‌خواهی باشند. علاوه بر این دو، محمدجواد ظریف نیز که رکورددار نوارهای صوتی لو رفته است (که به‌نظر اقدامی حساب‌شده می‌آید)، در تازه‌ترین اظهارنظر صوتی می‌گوید: «جناح چپ در انحصارطلبی دست جناح راست را از پشت می‌بندد و این را من به خود خاتمی هم گفته‌ام.» ظریف در همین نوار صوتی می‌گوید: «جریان اصلاحات در سال ۷۸ رفت به سراغ حذف. گفت قانون اساسی را عوض می‌کنم، رفتند سراغ حذف رهبری. در بیسیم می‌گفتند پیش به سوی آذربایجان (خیابان محل سکونت رهبری)». ظریف مدعی است که از سال ۷۶ تا ۷۸ زمینه برای پیشرفت [ایده‌های اصلاح‌طلبی] وجود داشته اما اشتباهات اصلاح‌طلبان که در پشت شعارهای دموکراسی‌خواهی، رفتاری براندازانه و حذفی داشتند و خلق‌وخوی به شدت انحصارگرانه‌ای هم دارند، مانع آن شده است.

این افشاگری‌ها از درون جبهه اصلاحات علیه مهم‌ترین شعارهای این جریان یعنی آزادی و دموکراسی‌خواهی، و اعتراف دسته‌جمعی اصلاح‌طلبان به از دست‌دادن پایگاه اجتماعی، به‌واقع یک پیروزی بزرگ در عرصه سیاست‌داخلی بود که همزمانی آن با پیروزی بزرگ سیاست‌خارجی، اهمیت و شدت آن را دوچندان کرد. هرچند بازهم دستگاه تبلیغاتی انقلاب نسبت به آن حالت کرختی داشت.

■ اقتصاد ناکارآمد

اما واقعیت غیرقابل کتمان سوم درباره جمهوری اسلامی، اقتصاد ناکارآمد پس از نیم قرن آمد و شد دولت‌های مختلف است. رهبر انقلاب ۱۵ سال است که شعار سال را شعار اقتصادی انتخاب می‌کنند و سال‌هاست نسبت به اجرانشدن سیاست‌های اصل ۴۴ و ناکارآمدی اقتصاد دولتی و ضرورت سپردن اقتصاد به مردم سخن می‌گویند. برخی نهادهای اقتصادی مانند خودروسازان و تولیدکنندگان لوازم‌خانگی را به ناکارآمدی یا سوءاستفاده از اعتماد نظام متهم ساخته‌اند. تقریباً هر سال از پرداختن صوری و شعاری به شعار سال ابراز ناخرسندی کرده‌اند. به‌رغم حمایت از همه دولت‌ها، به ناتوانی آنان در انجام وعده‌های اقتصادی و کنترل تورم مطابق وعده‌ها اعتراض داشته‌اند و حالا در سخنرانی سال نو نیز عمل به شعار سال گذشته را «با فاصله نسبتاً زیاد با آنچه مطلوب ماست» عنوان می‌کنند و تصریح دارند «یکی از نقطه‌ضعف‌های ما به دلایل گوناگون، مشکلات اقتصادی است». سخنان رهبری نشان می‌دهد که ایشان هیچ بهانه‌ای حتی «دشمنی امریکا و غرب برای به‌زانو درآوردن اقتصاد ایران» را نمی‌پذیرند، به‌ویژه آنکه برخی مدیران جدید در شعارهای‌شان مشکلات اقتصادی را از ناکارآمدی مدیران قبلی می‌دانستند و تحریم‌ها را فقط اندکی در مشکلات سهیم می‌دیدند. نکته بسیار مهم در سخنان رهبری که یک آموزه دینی و مطابق با دستاوردهای علوم جدید در نسبت اخلاق و اقتصاد است، تأثیر اقتصاد در دنیا و دین مردم است. اکنون پژوهشگران غربی در آثار جدید، شادکامی و خوب‌زیستن را در شیوه درست مدیریت اقتصادی کلان سیاستمداران می‌دانند. آثار زیادی نیز در این‌باره منتشر و حتی به فارسی هم ترجمه شده است. رهبر انقلاب همسو با این دیدگاه که در مرزهای علم اقتصاد و جامعه‌شناسی شکل گرفته است، در سخنان نوروزی گفتند: «اگر اقتصاد کشور وضع مطلوبی پیدا کند، در همه اوضاع عمومی کشور تأثیر خواهد داشت؛ می‌توان گفت در دین و دنیای مردم می‌تواند اثر بگذارد. [بعضی] نگویند که خب کشورهایی هستند از لحاظ ثروت و اقتصاد پیشرفته وضعشان خوب است لکن وضع مردم خوب نیست، این به خاطر جهت دیگری است؛ چون به عدالت توجه ندارند، چون به اهمیت تعالیم دینی و ایمان دینی توجه ندارند؛ علت بدی وضع مردم این است. به هر حال اقتصاد یک عامل بسیار مؤثری است.»

در تأیید آن بخش از سخنان رهبری که راه را بر بهانه‌گیران و کسانی که دوست دارند، برای شادی و ناشادی مردم، دلایل متافیزیکی و غیراقتصادی و درواقع غیرمادی بتراشند، می‌بندند، به پژوهشی اشاره می‌کنم که نشان می‌دهد امریکا و چین با داشتن رتبه‌های اول و دوم در سرانه تولید ناخالص داخلی، به دلیل نداشتن شاخص‌های مرتبط با عدالت اقتصادی، مطابق گزارش شادمانی جهانی در سال ۲۰۲۴ به‌ترتیب رتبه ۲۳ و ۶۰ را در شادمانی دارند. و اگر در این پژوهش ملاک شادمانی، جوانان زیر ۳۰ سال باشد، رتبه امریکا از ۲۳ به ۶۲ و رتبه چین از ۶۰ به ۷۲ سقوط می‌کند. رتبه ایران در این گزارش شادمانی ۱۰۰ است. در این پژوهش آمده است که سازمان ملل به‌غیر از تولید ناخالص داخلی، شاخص‌های دیگری را نیز در شادمانی و خوب‌زیستن از جمله «امید به زندگی سالم»، «داشتن کسانی که بتوان روی آنها حساب کرد»، «آزادی انتخاب در زندگی»، «سطح سخاوتمندیِ مردم جامعه»، و «فقدان فساد» مؤثر می‌داند. مشخصاً این پنج شاخص جدید، روح عدالتجویانه و اخلاقی دارند که برای یک زندگی شاد و سالم و رفاهی علاوه بر داشتن اقتصاد کارآمد، لازم است.

در کشور ما هنوز بحث‌ها بر سر این است که ما چیزی به نام «اقتصاد اسلامی» داریم یا نداریم و اینکه آیا عملکرد بانک‌های ما ربوی است یا سالم. برخی کل اقتصاد ما را لیبرالیستی و برخی حتی نئولیبرالیستی می‌دانند و برخی آن را فاقد هویت علمی و مخلوطی درهم و بی‌هدف می‌شمرند. با این حال در بیشتر فهرست‌های انتخاباتی که با شعارهای اقتصادی غلوآمیز نیز همراه است، حتی یک نفر که خودش ادعای اقتصاددانی داشته باشد، اگرچه با همین مدارک کاغذی برخی دانشگاه‌های ما، پیدا نمی‌شود. هرچند همه خود را ناجی اقتصاد معرفی می‌کنند!

فی‌الجمله اوضاع اقتصادی کشور خوب نیست و بهتر آنکه بگوییم بد است. بسیاری از وعده‌های اقتصادی دولت‌ها بر زمین می‌ماند و چپ و راست هم ندارد. مردم این روزها درآمد خود را با نرخ افسار گسیخته دلار و سکه می‌سنجند و این یعنی ناامیدی. مطالبه هر سال از دولت‌ها «اقتصاد همراه با عدالت» است، یعنی دقیقاً چیزی که هم در آموزه‌های دینی و هم از منظر دستاوردهای مرزهای دانش جدید تنها راه ایجاد جامعه سالم و شاد است. اقتصاد سالم و عادلانه، مقدمه خوب‌زیستن، و در جامعه دینی مقدمه معاداندیشی است. این واقعیتی است که انقلاب و نظام برخاسته از آن باید خود را در آن موفق نشان دهد تا آن پیروزی‌های ایدئولوژیک جهانی‌اش زیر سایه این اقتصاد ناکارآمد نرود و مهم‌تر از همه اینکه معاداندیشی مردم به‌خطر نیفتد.

نمایشگاه قرآن با فهم هوش مصنوعی!

● مصطفی شاه‌کرمی | خبرنگار گروه فرهنگی

■ فعالیت سی‌و یکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم که با شعار «می‌خوانمت» در قالب ۲۵ بخش از جمله کودک و نوجوان، حکمرانی قرآنی، مشاوره و پژوهش‌های قرآنی، جلسات خانگی، پوشش ایرانی و اسلامی و نمایش آثار قرآنی و دینی ۱۶۰ ناشر از ابتدای فروردین ماه آغاز شده‌بود، امروز به پایان می‌رسد. از مهم‌ترین وجوه این دوره از نمایشگاه قرآن حضور تعداد قابل‌توجهی هنرمند بین‌المللی و همچنین معرفی طرح‌هایی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی بود. از پرطرفدارترین بخش‌های نمایشگاه قرآن که در ۱۸ سال گذشته میزبان تعداد زیادی از خانواده‌ها و کودکان بوده، بخش عفاف و حجاب است. به کلام بهتر بخش عفاف و حجاب نمایشگاه قرآن به عنوان یک بخش تفکیک‌ناپذیر و پرمخاطب و جریان‌ساز فعالیت کرده است. این بخش از نمایشگاه در جایگاه ذائقه‌ساز و تقویت‌کننده فعالان، تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان نیازهای بخش عظیمی از افراد جامعه عمل کرده‌است | صفحه ۱۶

سهیل صحرانورد | آژانس عکس تهران

جنون «بی‌سابقه» رژیم صهیونیستی برای رویارویی نظامی با ایران

تل‌آویو با حمله به کنسولگری ایران در سوریه برای اولین بار یک مکان دیپلماتیک را هدف قرار داد

رژیم صهیونیستی در یک اقدام جنون‌آمیز، با حمله هوایی به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق، چند مستشار نظامی بلندپایه ایران را در این کشور شهید کرد، اقدامی که به گفته سفیر ایران در سوریه با «پاسخ قاطع» ایران روبه‌رو خواهد شد.

به گزارش «جوان»، جنگنده‌های رژیم صهیونیستی عصر دیروز با چند موشک به ساختمان کنسولگری حمله کردند، ساختمانی که فقط چند متر با سفارت ایران فاصله دارد. در این حمله که گفته می‌شود سه موشک به ساختمان کنسولگری ایران اصابت کرده، چند مستشار ایران شهید شدند. بر اساس اطلاعات غیر رسمی منتشر شده، سردار محمد رضا زاهدی، معاون عملیات سپاه قدس در سوریه، بلندپایه‌ترین مستشار ایرانی است که در این حمله شهید شده‌است. سردار محمدهادی حاجی‌رحیمی، معاون سردار زاهدی نیز در کنار وی در طی حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق سوریه به شهادت رسید. این، اولین حمله رژیم صهیونیستی به اماکن دیپلماتیک ایران در خاک سوریه است و یک تصاعد قابل توجه در تنش‌های رژیم صهیونیستی با ایران در کشاکش حمله اسرائیلی به غزه محسوب می‌شود. حمله اسرائیلی‌ها به کنسولگری ایران فقط چند روز بعد از سفر اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس به تهران و زیاد النخاله دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین انجام شد، سفری که در آن، آخرین تحولات جنگی بررسی و هماهنگی‌ها بین طرفین تجدید شد. حسین اکبری سفیر ایران گفته این اولین بار است که رژیم صهیونیستی به خود اجازه می‌دهد به یک ساختمان رسمی با پرچم برافراشته ایران حمله کند. او وعده داده که علاوه بر مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی درباره حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری، ایران نیز «انتقام» و «پاسخ متناسب» خود را در «زمان مناسب» به این حمله خواهد داد. منابع اسرائیلی فاش کردند که تل آویو قبل از حمله به کنسولگری ایران، موضوع را به واشینگتن اطلاع داده بود، ولی کاخ سفید درباره حمله عصر دیروز گفت: «ما در حال جمع آوری اطلاعات هستیم و موضوع در دست ارزیابی است.»

براساس گزارش‌ها فیصل مقداد، وزیر امور خارجه سوریه با حضور در سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق در مکالمه با وزیر خارجه کشورمان جنایت اخیر رژیم صهیونیستی را محکوم کرد. وزیر امور خارجه ایران به همتای سوری خود گفته که رژیم صهیونیستی عواقب حمله خود در دمشق را متحمل خواهد شد. در حالی که تا لحظه تنظیم این خبر، نهادهای امنیتی - نظامی در ایران، بیانیه رسمی درباره جزئیات این خبر منتشر نکرده‌اند، برخی ناظران پیش‌بینی می‌کنند که حمله عصر دیروز رژیم صهیونیستی که از لحاظ حمله نظامی به مراکز دیپلماتیک ایران، بی‌سابقه است، با پاسخ متقابل ایران روبه‌رو شود و احتمال درگیری طرفین را افزایش داده است. در تحولی که نشان‌دهنده برآورد اسرائیلی‌ها از پاسخ احتمالی ایران است، یدیعوت آحرونوت نوشت: «در پی گزارشات مربوط به این حمله، ارتش اسرائیل آمادگی خود را در تمامی واحدها و بخش‌ها افزایش داده است».

■ سردار زاهدی که بود؟

سردار محمدرضا زاهدی (معروف به حسن مهدوی) متولد ۱۱ آبان ۱۳۳۹ در اصفهان، در سال ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران پیوست و در طول جنگ تحمیلی از فرماندهان میانی سپاه بود و فرماندهی تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم را از ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ برعهده داشت.

وی در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) بود. سردار زاهدی در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران بود. وی از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ با حفظ سمت فرمانده قرارگاه ثارالله نیز شد و از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ معاونت عملیات سپاه پاسداران را هم برعهده داشت.

سردار زاهدی از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ در نیروی قدس فعالیت می‌کرد و فرمانده سپاه سوریه و لبنان بود.

شبکه ۱۴ رژیم صهیونیستی، پیش از این لااقل در دو گزارش مجزا، رسماً اعلام کرده بود که سردار محمدرضا زاهدی یکی از اهداف اصلی ترور این رژیم است.

این شبکه تلویزیونی در گزارشی اعلام کرده بود که چهار فرمانده ایرانی در معرض ترور قرار دارند و به‌زودی حذف می‌شوند.

این گزارش مدعی شده بود شاخه نیروی قدس در عراق تحت فرماندهی علیرضا نوبخت (مسکریان)، یمن تحت فرماندهی عبدالرضا (یوسف) شهلایی، سوریه و لبنان تحت فرماندهی محمدرضا زاهدی (حسن مهدوی) و فلسطین (کرانه باختری و غزه) تحت فرماندهی سعید ایزدی قرار دارد.

۱۲

بار سنگین دولت در جهش تولید مردم‌محور

جهش تولید با مشارکت مردم چگونه محقق می‌شود؟ این شاید پربسامدترین سؤال این روزهاست و مع‌الأسف نقش مردم در گشودن گره اقتصادی تاکنون آن‌گونه که شایسته باشد، لحاظ نشده است. برای تحقق شعار سال دولت وظیفه سنگینی دارد چه آنکه ابزارهای مختلفی برای جلب مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری کلان پروژه‌های راهبردی کشورمان و تحقق حضور مردم در اقتصاد در اختیار دارد و می‌تواند با اعمال اختیارات و مجوزهای موجود در اختیار خود، اعطای معافیت‌های مالیاتی ویژه، استفاده از دارایی‌های دولت، تمرکز بر هدایت اعتبارات بانکی و هدایت هدفمند یارانه‌های انرژی، به ایجاد فضای سرمایه گذاری مطلوب در ابرپروژه‌های کلیدی توسعه‌ای و تشویق بیشتر مردم جهت مشارکت در اقتصاد کمک کند

«جوان» چگونه رتبه اول روزنامه‌ها شد

■ روزنامه جوان در رتبه‌بندی جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در میان ۲۶۰ روزنامه سراسری، منطقه‌ای و محلی کشور رتبه نخست را کسب کرد | صفحه ۳

یادداشت سیاسی

عباس حاجی‌نجاری

«روز قدس» چرا یک مسئله جهانی شد

جهان در حالی برای حمایت از مردم مظلوم غزه و بزرگداشت روز قدس آماده می‌شود که جنایات صهیونیست‌ها در ماه‌های اخیر علیه مردم مظلوم غزه با حمایت همه جانبه امریکایی‌ها و برخی از کشورهای اروپایی سبب شده که موضوع روز قدس و حمایت از فلسطینی‌ها نه تنها به مهم‌ترین مسئله مسلمانان، بلکه به مهم‌ترین مسئله روز جهان تبدیل شود و نفرت جهانیان از رژیم صهیونیستی و حامیانش به ویژه امریکا در این ایام به اوج خود برسد. اقدامات فجیع و وحشیانه صهیونیست‌ها، در این شش ماه نه تنها دستاوردی در تحقق اهداف آنها نداشته، بلکه موجب گسترش اعتراضات مردم در کشورهای جهان و به ویژه امریکا و اروپا و شکایت در دادگاه لاهه شده و رسوایی جهانی را برای آنها در پی داشته است | صفحه ۲

ویژه جوان

داستان صبح جمعه روحانی همچنان ابهام می‌آفریند

آقای روحانی، رئیس‌جمهور سابق، اواخر بهمن‌ماه دیداری با اعضای تحریریه روزنامه اعتماد داشته است که شرح آن قبل از سال نو، در ویژه‌نامه نوروزی این روزنامه منتشر شد. در این دیدار روحانی درباره جمله معروفِ «من خودم هم صبح جمعه متوجه شدم»، افزایش قیمت بنزین در سال ۹۸ مورد سؤال قرار می‌گیرد. موضع‌گیری آن زمان حسن روحانی که با خنده‌ای سؤال‌برانگیز، جمله‌ای عجیب بر زبان آورد و از زمان گرانی بنزین ابراز بی‌اطلاعی کرد، از همان سال ۹۸ تاکنون که چهار سال می‌گذرد، محور سؤالات و تحلیل‌های مختلف علیه او شده است | صفحه ۲

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

آقای دولت! بسم‌الله

مشارکت مردم باطل‌السحر شعبده‌بازی‌های نادره‌فن و حقه‌باز حوزه تولید است و اگر چنین بستری برای مردم فراهم شود، این قماش هر چند از بین نمی‌روند، حداقل به حاشیه رانده می‌شوند، بنابراین دولت وظیفه سنگینی دارد و بهتر است به جای شعار، همایش، بنر و سربرگ‌های اداری‌نویسی، به معنی واقعی کلمه، تولید را از دست حلقه‌های هفت‌رنگ نیرنگ‌باز دغل‌کار نجات دهد و به مردم بسپارد. حال اگر صادق است و پای کار، بسم‌الله! | صفحه ۴

یادداشت اجتماعی

تقی دژاکام

سرشار از امید

سال‌های اولی که با مجلس حاج آقا مجتبی آشنا شده بودم، راستش از مباحث ایشان گاهی به وحشت می‌افتادم. به نظرم می‌رسد که آن‌سال‌ها حاج آقا بیشتر خوفی صحبت می‌کرد تا رجایی؛ بیشتر از قیامت و روز حساب می‌ترساند تا امیدوار کند؛ شاید هم من این وجه از صحبت‌های ایشان را جدی‌تر می‌گرفتم؛ شاید هم حال‌وروز آن‌موقع من جوری بوده که روی این بخش از صحبت‌های ایشان تمرکز بیشتری می‌کردم. اما هرچه بیشتر می‌گذشت، وجه رجایی و امیدوارانه سخنان و مباحث ایشان - حداقل برای من- بیشتر و بیشتر می‌شد | صفحه ۳